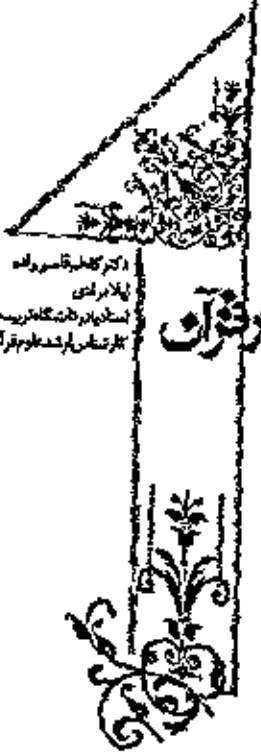


۱۱۷۳۹۱
۸۸۶۱۹



معناشناسی معجزه واژه «مع» در قرآن

دکتر کاظم قاسمی
پژوهشگر
استادیارشدگانه تربیت مدرس
پژوهشگر ارشد علوم قرآنی و حدیث حضرت علامه سید

مجموعه تخصصی علوم قرآنی و حدیث

چکیده:

برخی از واژگان، علاوه بر معنای پایه، دارای معنای نسبی نیز هستند. «مع» از واژه‌هایی است که در دو حوزه معنایی پایه و نسبی در قرآن به کار رفته است. این نوشتار می‌کوشد پس از ذکر معنای پایه مع سه نوع همراهی مطلق، مطلوب و نامطلوب را بیان نماید همچنین به منظور بیان معنای نسبی مع از طریق معناشناسی ساختارگرا که به بررسی روابط معنایی بین واژه‌ها و جمله‌ها می‌پردازد دو معنای «صبر» و «پاری رساندن» و «علم و احاطه دانش» و برخی کاربردهای قرآنی آن را بیان نماید و معنای «بعد» پس از آنکه در یکی از کاربردهای قرآنی (اشراخ / شوخ) آمده است را بر اساس رویکرد تاریخی به ساخت معنا و تعبیرات معنایی (تفسیر مدلول) بررسی نماید.

کلید واژه‌ها: معناشناسی، معیت، بررسی علمه معنای پایه معنای نسبی

طرح مساله

کلمات به مثابه موجودات زنده‌ای هستند که معنایشان با تغییر عوامل محیطی، تغییر می‌یابد در حقیقت می‌توان گفت کلمات دارای یک معنی پایه و اصلی هستند و در برخی موارد هم دارای معنای نسبی می‌شوند یعنی زمانی که عوامل مختلفی چون بافت زبانی، تاریخی، فرهنگی و ... بر آنها تأثیر ندارد موجب ایجاد مدل‌های معنایی جدیدی می‌شود.

«مع» یکی از واژه‌هایی است که در تعداد بی‌شماری از آیات به کار رفته است و دارای دو حوزه معنایی «پایه و نسبی» است. حوزه‌های معنایی را می‌توان مجموعه‌ای از واحدهای معنایی به شمار آورد که در یک وجه مشترک گرد آمده‌اند. به بیانی دیگر اشتراک در یک شرط لازم (شرطی که سبب افسراق معاهیم است) سبب طبقه‌بندی واحدهای معنایی می‌شود^۱

«مع» اسمی است که بر مصاحبت و همراهی در زمان، مکان، رتبه و مترتبات دلالت می‌نماید^۲ و نیز گفته شده: در اصل اسمی است مبتنی که در صورت اضافه شدن به اسمی دیگر به معنی مصاحبت و همراهی کردن است و همواره در قرآن به صورت ترکیب اضافی استعمال شده است.^۳

با توجه به اقوال مذکور، به نظر می‌رسد معنی پایه و اصلی «مع» مصاحبت و همراهی نمودن باشد. نکته قابل توجه آن است که در همه موارد چنین مسابلی از آیات مستفاد نمی‌شود؛ زیرا فضای متن بر کلمات و واژه‌ها، تأثیر گذاشته معنای جدیدی ایجاد نموده است. به عنوان نمونه در آیه شریفه «أَلَا اللَّهُ مَعَ الْمُتَّقِينَ»^۴ و آیات مطیر آن نمی‌توان معنای همراهی نمودن را برداشت نمود؛^۵ و در آیه شریفه «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^۶ و آیات مطیر آن نیز چنین معنایی قابل برداشت نیست؛ بنابر جهت که خداوند از همه چیز و همه کس، برتر و والاتر است «وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ»^۷ پس همراهی او در زمان و مکان نا‌پندگانش، نمی‌تواند معنا داشته باشد چنانکه علی علیه السلام فرمود: مع کل شیء لا بمقارنه؛ با هر چیز هست و همنشینی و یار آن نیست.^۸



بدین ترتیب به منظور درک معنای چنین آیاتی نیاز به رویکرد معناشناسانه داریم تا از طریق بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معنای درک معانی جدید که معانی نسبی‌اند دست یابیم.

معانی مع در قرآن

مع در قرآن در اکثر موارد در معنای پایه و اصلی‌اش (همراهی نمودن) به کار رفته است که در سه نوع مطلق، مطلوب و نامطلوب نمود پیدا کرده است و در برخی آیات بر اساس تأثیر یافت زبانی در معنای نسبی‌اش به کار رفته است. معنای نسبی مع عبارتند از: نصرت و یاری رساندن و همچنین لحاظ علمی داشتن که این دو معنی در مورد معیت خداوند استعمال شده است و معنای (بمد) که در آیه شریفه «لَئِنْ قَعَّ الْعَسْرُ يَسْرًا» آمده است. الف) معنای پایه و اصلی مع (همراهی نمودن)

۱. همراهی مطلق

در برخی کاربردهای قرآنی «مع» به معنای مطلق همراهی آمده است. به عنوان نمونه می‌توان به همراهی یوسف علیه‌السلام با برادران که برای بازی و تفریح بیرون از شهر رفته بودند اشاره نمود^۱ و نیز آیاتی که بیانگر بهانه‌های کفار، برای پذیرش دعوت پیامبران است «أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقَرَّبِينَ»^۲ و «أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكَ»^۳ در این آیات مراد از همراهی، صرف همراه داشتن چیزی است. از این همراهی‌ها معنای مطلوب و نامطلوب برداشت نمی‌شود.

۲. همراهی مطلوب

مفهوم همراهی‌های مطلوب از آیاتی که خوانند، به آنها امر می‌کند قابل برداشت است «وَأَرْكَبُوا مَعَ الرَّاكِبِينَ»^۴ «وَتَوَقُّوا مَعَ الصَّادِقِينَ»^۵ و نیز از آن دسته آیاتی که بیان‌کننده دعای مؤمنان است «فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ»^۶ «وَتَوَقُّوا مَعَ الْآبْرَارِ»^۷ همراهی مطلوب دلرای دو حوزه دینی و سیاسی است.

حوزه دینی
الف) همراهی با انبیاء الهی در گرایش به یگانه پرستی

دستا / فصلنامه تخصصی علوم قرآن و حدیث



این همراهی دارای مصادیق فراوانی است که به جهت جلوگیری از اطاله کلام به ذکر برخی از مصادیق بسنده می‌شود. یکی از نمودهای همراهی مطلوب در زندگی موسی علیه السلام تحقق یافته است. زمانی که برای هدایت بنی اسرائیل از خداوند درخواست نمود تا هارون را به عنوان پشتیبان و یاور با او همراه نماید «فَأَرْسَلْنَا مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي»^{۱۳} مراد از «ردء» آن است که یار و حامی او باشد.^{۱۴} پس از احابت دعاء، همراه هارون به سوی فرعون رفت و به او خطاب نمود «فَأَرْسَلْنَا مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»^{۱۵} سرانجام پس از اظهار معجزه‌ها عده اندکی با موسی علیه‌السلام همراهی نموده و ایمان آوردند «فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ»^{۱۶} و نیز می‌توان به همراهی بلقیس با سلیمان علیه‌السلام اشاره نمود. به محض آنکه بلقیس (ملکه سبا) وارد قصر شیشه‌ای سلیمان علیه‌السلام شد، در حالی که شکفت زده و متحیر شد گفت: «قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»^{۱۷} نکته جالب در استعمال واژه مع آن است که مزد خداوند همه برابرند و همه پس از پذیرش حق یکسانند.^{۱۸} آنهایی که سبقت در ایمان داشته‌اند و چه آنهایی که بعدها به اهل ایمان پیوسته‌اند پذیرفتن دعوت توحیدی انبیاء الهی و همراه شدن با ایشان سبب نجات مؤمنان از هلاکت و عذاب‌های دنیوی می‌شود.

به عنوان نمونه^{۱۹} موسی علیه‌السلام از خداوند درخواست می‌کند تا او و مؤمنان همراه و همدل را نجات دهد «وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^{۲۰} از دیگر پیامدهای همراهی‌های مطلوب آن است که خداوند مؤمنان را به عنوان اسوه‌هایی شایسته و نیک معرفی می‌نماید تا دیگران در طریق هدایت، آنها را الگو قرار دهند «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ»^{۲۱} و نیز در احرت مؤمنان دچار خواری و ذلت نمی‌شوند. «يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ»^{۲۲}

ب) همراهی با انبیاء در عبادت

همراهی کوه‌ها و مرغان با داود علیه‌السلام در عبادت، یکی از زیباترین جلوه‌های همراهی مطلوب در قرآن المسد بدان سبب که داود علیه‌السلام به تعبیر قرآن در اجرای امر خداوند بسیار بیرومند [مصمم] بود و دائم به درگاه خداوند توبه می‌نمود.^{۲۳} خدای تعالی کوه‌ها و مرغان را مسخر او گردانید تا با تسبیح و نغمه الهی داود علیه‌السلام هم‌آهنگ و همراه شوند.^{۲۴} از

را مستخر او گردانید تا یا تسبیح و نعمة الهی داود علیه السلام هم آهنگ و همراه شوند^{۳۲} از دیگر مواردی که بیانگر همراهی با پیامبران در عبادت است، همراهی مؤمنان با پیامبر صلی الله علیه و آله در اقامه نماز است. در سوره نساء خداوند به منظور حفظ موقعیت و قوای نظامی مسلمانان به پیامبر صلی الله علیه و آله امر می نماید که عدهای همراه تو به نماز بایستند و عدهای دیگر از اسلحهها مراقبت نمایند تا غفلت موجب حمله غافلگیرانه دشمن و در نهایت پیروزی آنها نشود^{۳۳} یکی دیگر از موارد همراهی مؤمنان با پیامبر صلی الله علیه و آله در اقامه نماز شب است که از خواب اندک شبانه مؤمنان خبر داده، فرمود: «قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَمُونَ»^{۳۴} و نیز از همراهی آنان در پیروی از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داده فرمود: «لَنْ رَيْتَكَ يَعْلَمُ لَنْكَ تَقْوَمُ أَذَى مِنْ ثَلَاثِي اللَّيْلِ وَيَضْفَهُ وَثَلَاثَةُ وَطَائِفَةٍ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ»^{۳۵}

حوزه سیاسی

همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله در هجرت و جهاد

در آیه ۷۴ سوره انفال پس از بر شمردن اوصاف مؤمنان حقیقی به این مطلب اشاره می کند و آنهایی که بعداً ایمان آورده و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر مؤمنان هجرت و جهاد نمودند از مؤمنان حقیقی محسوب می نمایند^{۳۶} هر چند در ایمان آوردن، متأخر از مؤمنان نخستین بوده اند؛ اما به علت همراهی با پیامبر در هجرت و جهاد در

زمره مؤمنان حقیقی قرار دارند

۳. همراهی های نامطلوب

این نوع همراهی از آن دسته آیاتی قابل برداشت است که بیان کننده تبهی خداوند از همراهی نمودن یا گروههایی خاص مانند طالبان است^{۳۷} و تیز از دعای اعرافیان که در قیامت از خداوند درخواست می نمایند آنها را همراه طالبان قرار ندهد^{۳۸} همراهی های نامطلوب در قرآن دارای دو حوزه دینی و سیاسی است.

حوزه دینی

شریک قرار دادن همراه خداوند



اعتقاد باطل شرک‌گرایان که همراه خداوند قائل به الهه و خدایانی بودند، همواره از سوی خداوند باطل و بیهوده دانسته شده است. «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ»^{۳۳} در آیه شریفه سه موضوع مطرح شده است:

- ۱- نفی فرزند برای خداوند ۲- نفی همراه و اله دیگری یا او ۳- اقامه برهان بر محال بودن تعدد الهه^{۳۴} و نیز فرمود: «قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَمَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ نَسِيبًا»^{۳۵} یعنی اگر همراه خدا، الهه دیگری وجود داشته باشد هر یک از آنها به سوی خدای صاحب عرش تقرب می‌جویند و اظهار عجز می‌نمایند.^{۳۶} همچنین در آیات ۶۴-۶۰ سوره نمل، ضمن متذکر شدن شتون خلق و تدبیر، به نفی شرک برای خود پرداخته، فرمود: «أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ» زیرا لازمه تدبیر، الوهیت است که به معنای استحقاق ربوبیت نیز هست و از آنجا که مشرکان نتوانستند دلیل و برهان بر ادعای خویش بیاورند بیهوده بودن ادعایشان ثابت می‌شود؛ زیرا اگر بخواهند برای الوهیت دلیلی بیاورند باید آن دلیل، تدبیر ناحیه‌ای از عالم باشد درحالی که ثابت کرد تدبیر تمامی خلایق به تنهایی از جانب خداوند است.^{۳۸}

در آیات دیگری علاوه بر آنکه از شرک قرار دادن همراه خداوند نهی نمود به پیامد ناگوار آن (خذلان و خواری) است، اشاره نموده است.^{۳۷} همراهی پسر نوح علیه‌السلام با کافران، یکی از نمونه‌های شرک ورزیدن به خداوند است. آنگاه که همراه نوح علیه‌السلام و مؤمنان طبق درخواست پدر، بر کشتی سوار نشد و به امید نجات در پاسخ به درخواست پدر گفت: «سَأْوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَخِيمُنِي مِنَ الْمَاءِ»؛^{۳۹} اما سرانجام امواج دریا بین پدر و پسر فاصله انداخت و پسر از غرق‌شدگان گردید.

حوزه سیاسی

عدم حضور در جهاد

پس از آنکه کفار و مشرکان از پذیرش دعوت توحیدی پیامبر صلی الله علیه و آله تخلف نمودند، خدای تعالی به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور جهاد با کافران داد و فرمود: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»^{۴۰} و نیز مؤمنان از سوی خداوند

به جهاد مأمور شدند: «لَنفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ»^{۳۳} در این میان افرادی که به ایمان تظاهر می نمودند به سبب علاقه به تعقبات دنیوی از امر الهی تخلف کردند و از پیامبر صلی الله علیه و آله اجاره عدم حضور در صحنه جهاد را با بهانه های واهی می طلبیدند «وَإِنَّا أَمَرْنَا فِي سُورَةِ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطُّولِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْفُقَاعِيِّنَ» و پیامد عمل خانه نشیمان آن است که جهنم آنها را احاطه می کند و آنان را در بر خواهد گرفت.^{۳۴}

بیا معنای نسبی مع

رو بگرد معناشناسانه روش مناسبی برای درک معانی نسبی آیات است. توصیف معاصر بر اساس بافت زبانی، یکی از روش هایی است که در درک معنای نسبی مع به ما کمک می کند. برخی زبان شناسان معتقدند که معنی یک واژه را می توان بر اساس وقوع آن در یک بافت زبانی (linguistic context) تعیین کرد. لز ذکر «مع» در کنار نام خداوند در برخی آیات نمی توان معنای پایه (همراهی نمودن) آن را درک کرد. پس باید گفت در یک چنین بافت زبانی، «مع» به معنی «نصرت و یاری رساندن» و «احاطه و علم داشتن» به کار رفته است.

همچنین از طریق زبان شناسی تاریخی که گاهی گذر زمان منجر به تغییر مدلول و معنا می شود به درک معنای مع در آیه شریفه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^{۳۵} دست می یابیم. عناوین زیر ضمن اشاره نمودن به برخی نمونه های قرآنی، معنای نسبی «مع» را بیان می کند.

۱. نصرت و یاری نمودن

ذات مقدس خدای تعالی، همواره نصرت و یاری خویش را به انبیائش اضافه فرموده است و مؤمنان به ایشان را نیز یاری نموده است. «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^{۳۶} همچنین می توان گفت بین «مع» به معنای مذکور و «نصر» مترادف وجود دارد.

۱-۱-۱ نصرت به انبیاء الهی

۱-۱-۱-۱ نصرت خداوند به نوح علیه السلام

نوح علیه السلام پس از سالیان طولانی قومش را به سوی یکتا پرستی دعوت نمود و چون از سرکشی و عصیان آنها حسته شد از خداوند یاری طلبید و به امر و تأیید الهی اقدام به ساختن کشتی نمود تا همراه مؤمنان در کشتی سوار شوند و از عذاب الهی که موجب هلاکت طالمان بود رهایی یابند.^{۲۲} بدین ترتیب، سرانجام نوح و همراهانش از رحمت و برکات الهی بهره‌مند گردیدند «قَالَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ»^{۲۳}

۱-۱-۲-۱ نصرت خداوند به موسی علیه السلام

موسی علیه السلام پس از مأموریت یافتن از چابب خداوند برای هدایت بنی اسرائیل، ترس از تکذیب شدن و عدم شرح صلرش را موانع پذیرش دعوتش دانست^{۲۴} به همین سبب از خدا درخواست نمود تا برادرش هارون را یار و پشتیبانش گرداند.^{۲۵} خدای تعالی هم با اجابت دعای موسی علیه السلام او را دلگرم کرد و فرمود: «فَاذْهَبْ بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ»^{۲۶} بدین ترتیب خداوند یاری و پشتیبانی اش را از آن دو اعلام نمود پس از این ماجرا، موسی علیه السلام به یاری خداوند آنچنان دلگرم شد که خطاب به یارانش زمانی که از غله ساحران می‌ترسید، گفت: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»^{۲۷}

۱-۱-۳-۱ نصرت خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله

یاری خداوند نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله در تمامی عرصه‌های حساس زندگی آن بررگوار بوده است. به ویژه در صحنه بدر و حنین که خداوند ملائکه را به یاری سپاه مسلمانان فرستاد.^{۲۸} در این مجال به جهت اختصار تنها به ذکر موردی که «مع» در آیه شریفه به کار رفته، بسنده می‌نماییم. زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در غار ثور پنهان شد تا از آزار مشرکان در امان باشد، ابوبکر نیز همراه حضرت یود و می‌ترسید که مبادا مشرکان به مخفی گاهشان دسترسی پیدا کنند؛ اما پیامبر صلی الله علیه و آله با وعده دادن به نصرت خداوند او را با این بیان آرام نمود «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»^{۲۹}

۱۰۲ نصرت خداوند به نیکوکاران (محسنین)

گروه‌های دیگری که خداوند معیت خویش را در مورد آنها بیان نمود دارای اوصاف خاصی هستند صبر (بقره/۱۵۲، ۲۴۹؛ انفال/۶۶، ۲۶) تقوی (بقره/۱۹۲؛ توبه/۱۲۲، ۲۶) مؤمنان (انفال/۱۹) و نیکوکاران (عنکبوت/۶۹؛ نحل/۱۲۸)

به نظر می‌رسد با رویکرد مولفه‌ای به معنای «احسان» را بر سایر اوصاف مذکور اطلاق نمود. مراد از رویکرد مولفه‌ای آن است که معنای اوصاف مولفه‌ای تشکیل دهنده‌اش خرد شود تا مولفه‌های هسته‌ای و اجزاء معنی از هم تفکیک شوند.^{۵۵} در تعریف «نیکی» آمده: «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^{۵۶} ملاحظه می‌کنیم که (نیکی و احسان) دارای شمول معنایی با واژگان ایمان، صبر، صداقت و تقوا است. اوصافی که خداوند یاریش را نسبت به دارندگان آن اوصاف تنها با تاکید «ان» بیان نموده است. در حالی که برای یاری نیکوکاران دو-حرف تاکید «ان» و «لام تاکید» به کار رفته است «لَئِنْ لَمْ يَنْجِئْنَا لِلْمُحْسِنِينَ»^{۵۷} گویا (احسان و نیکی) دربرگیرنده سایر اوصاف مذکور است. یعنی نیکی بر هر یک از آن اوصاف به تنهایی اطلاق می‌شود. به همین دلیل جهت یاریش را به نیکوکاران با تاکید بیشتری بیان نمود زیرا نیکوکاران، جامع تمامی اوصاف مذکورند.

۲. علم و احاطه داشتن

خداوند متعال، دانا به اسرار نهان و آشکار تمامی موجودات است و چیزی از ذات مقدسش پنهان نیست. «لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ»^{۵۸} در برخی آیات مانند: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^{۵۹} و «مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَاطِبُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا آذَنِي مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرُ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^{۶۰} معنایی که از معیت

خداوند برداشت می‌شود، همراهی به معنای «علم و آگاهی» است. مؤید معنای مذکور در ابتدای آیه چهارم سوره حدید که از علم خداوند به تمامی موجودات سخن به میان آمده است وجود دارد.

در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «بهرترین مرحله ایمان انسان این است که بداند هر چا باشد خدا با اوست [از احوالش آگاه است]»^{۶۱} اصولاً این معیت خدا یا بندگان، آنقدر طریف است که هر انسان متفکر و مومنی به مقدار اندیشه و ایمانش آن را درک می‌کند و از عمق آن با خبر می‌گردد.^{۶۲}

۳. بعد و پس

شرایط زمانی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری معاسته، مطالعه زبان‌شناسی تاریخی در فهم تعبیرات معنایی که یکی از مراحل آن «تعبیر مدلول» است، در فهم معنای «مع» در آیه شریفه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» به ما یاری می‌رساند که در آیه شریفه، «مع» به معنای «بعد، پس» آمده است. زیرا به دلالت عقلی همواره پس از سختی‌ها و مشکلات، گشایش در امور حاصل می‌شود و آیه شریفه جز با این معنا فهم درستی را ارائه نمی‌کند.

رشته‌های اتصال میان حوزه‌های معنایی مع

بین معنای پایه و معنای نسبی «مع» پیوند و ارتباطی وجود دارد. این معنای یکی نیستند؛ اما متباین از هم نیز نیستند. گویی معنای پایه «مع» (همراهی) در بن معنای نسبی نهفته است. از این رو می‌توان معنای نسبی را «معنای ترکیبی» نیز نامید. در حقیقت می‌توان گفت: خداوند با علم و یاریش همراه انبیاش و ... است.

نتیجه

۱. «مع» از واژه‌هایی است که دارای دو حوزه معنایی پایه و نسبی در قرآن است.
۲. در اکثر آیات، معنای پایه آن «همراهی نمودن» به کار رفته است که دو نوع مطلوب و نامطلوب آن، دارای دو حوزه دینی و سیاسی در قرآن‌اند. همراهی‌های مطلوب — که از مصادیق عالی آن اعتماد به و حدانیب خداوند است — انسان را به بجات و

رستگاری در دو جهان می‌رساند درحالی که همراهی‌های نامطلوب، - که از مصادیق یاز آن شرک به‌خداوند است و سایر پلیدی‌ها را نیز به دنبال می‌آورد- سبب هلاکت و خسران انسان در دو جهان می‌شوند.

۳. معنای نسبی «مع» در قرآن- عبارتند از: نصرت و یاری‌رساندن که در این حوزه معنایی با «نصرت» مترادف است و همانگونه که ملاحظه شد نصرت خداوند شامل انبیاء، مؤمنان به ایشان و محسنین است که از طریق رویکرد مؤلفه‌ای به معنای مؤمنان، تقوا پیشه‌گان و صابران از محسنین محسوب می‌شوند معنای دیگر مع «علم و احاطه داشتن» است که درک این معانی از طریق دقت در بافت زبانی و روابط هم‌نشینی بین واژه‌ها به دست می‌آید. یکی دیگر از معانی نسبی «مع» «بعد و پس از آن» است که براساس زبان‌شناسی تاریخی (تعبیر مدلول) در آیه شریفه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» درک می‌شود.

۴. بین دو حوزه معنایی مع، ارتباطی وجود دارد که رشته اتصال این دو حوزه معنایی نسبت به هم است. یعنی می‌توان گفت: همراهی خداوند در قالب نصرت و علم او تحقق یافته است. پس معنای همراهی در بطن معنای نسبی مع نیز نهفته است.

پس نوشت ها:

۱. کوروش صفوی، هر آمدی بر معنی شناسی (تهران: سوره مهر، ۱۳۳۹)، ص ۱۹۰.
۲. هجرالدین طریحی، مجمع البحرین، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق)، ج ۳، ص ۱۷۰۲؛ افرام بستلی، المعجم الوسیط، محمد بنتر ریگی، (تهران: انتشارات نسلی، ۱۳۸۲)، ج ۲، ص ۱۸۴۲؛ محمد بن مکرم ابن مطوره، لسان العرب (بیروت: دار صادر، ۱۴۱۰ق)، ج ۸، ص ۲۴۰.
۳. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (تهران: موسسه الطباعه والنشر، ۱۳۶۹)، ج ۱، ص ۱۳۲.
۴. بقره/۱۹۲.
۵. حدید/۳.
۶. امام/۱۰۰.
۷. سید جعفر شهیدی، ترجمه نهج البلاغه (تهران: انتشارات علمی وفرهنگی، ۱۳۸۰)، ج ۱، ص ۲۰.
۸. شرح ۵-۶.
۹. یوسف/۱۲.
۱۰. رزف/۵۳.
۱۱. هود/۱۲.
۱۲. بقره/۳۲ آل عمران/۲۲.
۱۳. توبه/۱۱۹.
۱۴. آل عمران/ ۵۳ مائده/۸۳.
۱۵. آل عمران/۱۹۳.
۱۶. قصص/ ۳۳ فرقان/ ۲۵.
۱۷. فصل بی حسن طبرسی، مجمع البیان لعنوم القرآن (بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۸ق)، ج ۸، ص ۱۰۲ اسماعیل حنی بروسوی، توبیر الاذهان من تفسیر روح البیان (بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۸ق)، ج ۲، ص ۳۱۶.
۱۸. طه/۳۷.
۱۹. یونس/۸۲.
۲۰. نمل/۴۲.
۲۱. ناصر مکارم و نویسندگان، تفسیر نمونه (مجموعه دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹ش)، ج ۲۱، ص ۲۸۲.
۲۲. بقره/ ۵۸، ۶۶ و ۶۷ اعراف/ ۷۲ و ۶۴.
۲۳. شعراء/۱۱۸.
۲۴. ممتحنه/۴.
۲۵. تحریم/۸.
۲۶. ص/۱۷.
۲۷. ساء/ ۱۰، نساء/ ۲۹، ص/ ۱۸.
۲۸. نساء/ ۱۰۲.
۲۹. ذریات/ ۱۷.
۳۰. مرمل/ ۲۰.
۳۱. همن/ ۷۵.
۳۲. مائده/ ۸۳ اعراف/ ۴۷ امام/ ۶۸.
۳۳. اعراف/ ۳۷.
۳۴. مومنون/ ۹۷.
۳۵. محمد مختار چکنی شقیطی، اصوامالبیان فی ابصاح القرآن بالقرآن (بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق)، ج ۲، ص ۱۱.

- ۲۲ / ۲۲
 ۳۷. علی بن محمد شوکتی، فتح القدير، (بيروت: دار صادر، ۱۴۱۲ق) ج ۲، ص ۲۶۰.
 ۳۸. طباطبائی، المیزان ج ۱۵، ص ۲۸۵.
 ۳۹. لبراد / ۲۲.
 ۴۰. ہود / ۲۲.
 ۴۱. فرقان / ۵۲.
 ۴۲. توبہ / ۲۱۔
 ۴۳. توبہ / ۸۶.
 ۴۴. توبہ / ۴۹.
 ۴۵. شرح / ۶.
 ۴۶. غافر / ۵۱.
 ۴۷. ہنگریٹہ مریم، ۸۸ مومنون، ۲۸۸ ہود / ۲۸۸: یوس / ۲۲ و -
 ۴۸. ہود / ۴۸.
 ۴۹. لبراد / ۱۰-۱۲.
 ۵۰. طہ / ۳۰ و ۳۱.
 ۵۱. شعراء / ۱۵.
 ۵۲. حمل / ۶۲.
 ۵۳. توبہ / ۲۵: آل عمران / ۱۲۳.
 ۵۴. توبہ / ۴۰.
 ۵۵. احمد پاکچی، جروہ ای درسی در مورد ممتازتاسی، عسوهبات علمی دانشگاه امام صادق عاہ السلام
 ، چہ چاپ برسیٹہ ص ۲۶-۲۱.
 ۵۶. بقرہ / ۱۷۷.
 ۵۷. عسکوت / ۶۹.
 ۵۸. صبا / ۲: یوس / ۶۱.
 ۵۹. حنید / ۳.
 ۶۰. مجادلہ / ۱۱.
 ۶۱. جلال الدین سیوطی، اندر المنثور فی التفسیر بالمائور (بیروت: دارالمکرہ، ص ۶ ح ۶ ص ۱۷۱).
 ۶۲. ناصر مکارم و نویسندگان، تفسیر نمونه (قم: دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۶۹ش) ج ۲۳، ص ۲۰۸.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم: دفتر مطالعات و معارف اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۲. قرآن کریم، ترجمه حسین الهمی قمشه ای، قم: انتشارات گل علی علیه السلام، ۱۳۸۱ش.
۳. ابن مطوره، محمد بن مکرم، لسان العربیه بیروت دار صادر، ۱۴۱۰ق.
۴. بروسوی، اسماعیل حقی، تئویر الافهام من تفسیر روح البیان، بیروت دارالعکر، ۱۴۰۸ق.
۵. هستقی، ابراهیم، المعجم التوسیط، محمد بنذر ویگی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۶. پاکتیجی، احمد جبروهای فرسی در مورد معاشناسی، خصوصیات علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام به چاپ نرسیده.
۷. سیوطی، جلال ابدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت دارالعکر، بی تا.
۸. شقیطی، محمد مختار چکی، اصواء البیان فی ایضاح القرآن، بیروت دارالعکر، ۱۴۱۷ق.
۹. شوکانی، علی بن محمد فتح القدر، بیروت دار صادر، ۱۴۱۲ق.
۱۰. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ش.
۱۱. صغوی، کوروش، در آمدی بر معاشناسی، تهران: سوره مهر، ۱۳۷۹ش.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لغو القرآن، بیروت دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.
۱۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۱۴. مصطوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: موسسه الطباعة والنشر، ۱۳۶۹ش.
۱۵. مکارم، ناصر و نویسندگان، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹ش.